

# آزادی از دیدگاه استاد مطهری

مؤلفین

مریم اوتادی

فاطمه بهرامگیری

معصومه تختی



انتشارات انس تک

۱۳۸۷

اوتادی، مریم، گردآورنده  
آزادی از دیدگاه استاد مطهری / پژوهشگران: مریم اوتادی، فاطمه بهرامگیری،  
معصومه تختی. -- تهران: انس تک، ۱۳۸۷.  
۱۶۲ ص.

ISBN:964-8075-08-5

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتابخانه به صورت زیرنویس.

۸۹/۶  
م ۸۴-۱۱۴۹۳

الف، عنوان  
۵۶۲۳۳/م  
کتابخانه ملی ایران  
رده بندی دیویی: ۲۷۹/۴۸۲  
شماره کتابخانه ملی: ۴۴۱۲۳-۸۵



ناشر: انتشارات انس تک

نام کتاب: آزادی از دیدگاه استاد مطهری

مؤلفین: مریم اوتادی، فاطمه بهرامگیری، معصومه تختی

طراح جلد: مریم السادات هاشمی

حروفچین و صفحه آرا: ریحانه تک

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷

چاپ و صحافی: صحافی کهنموئی زاده

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۸۰۷۵-۰۸-۵

حق چاپ محفوظ است.

آدرس: خیابان آزادی / بلوار استاد معین / خ رفعتی پورشمس / کوچه فتاحی / پلاک ۶۷ / واحد ۱

تلفن: ۶۶۰۴۳۹۲۹

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                                                                                           |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | مقدمه                                                                                                           |
| ۳    | اقسام آزادی                                                                                                     |
| ۸    | تفاوت میان مکاتب انبیاء و مکاتب بشری در مورد آزادی اجتماعی و معنوی                                              |
| ۸    | آزادی و زندگی اجتماعی                                                                                           |
| ۱۲   | مشخصات ایدئولوژی اسلامی در زمینه ماهیت اجتماعی مقررات اسلام و رعایت آزادی و حقوق افراد                          |
| ۱۴   | رابطه آزادی با تربیت و رشد انسان ها                                                                             |
| ۲۰   | تأثیر آزادی بر رشد اجتماعی                                                                                      |
| ۲۴   | دیدگاه اسلام پیرامون آزادی زن                                                                                   |
| ۳۸   | رابطه زهد، آزادگی انسان، ضرورت عدم تعلق و وابستگی به مظاهر مادی                                                 |
| ۴۵   | وابستگی ها و آزادگی ها                                                                                          |
| ۴۸   | بررسی رابطه تقوی با آزادی، بیان تفاوت مصونیت و محدودیت در مسأله تقوی                                            |
| ۵۰   | وصیتنامه حضرت علی <small>علیه السلام</small> به امام حسن <small>علیه السلام</small> در مورد حریت، آزادی و پرهیز |

- تجسم آزادی و آزادی بخش در نظر امام علی علیه السلام ..... ۵۲
- آزادی انسان در انتخاب راه حق و باطل از نظر قرآن در آیه ۳  
سوره دهر (انسان) ..... ۵۳
- نقش انسان در سرنوشت خویش از دیدگاه قرآن ..... ۵۵
- ضرورت دفاع از توحید و آزادی، نمونه‌ای از زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام  
در این باره در تفسیر علامه طباطبائی:
- دفاع از توحید ..... ۵۸
- عقاید شیخ عبدالرحمان کواکبی درباره آزادی، نظم، سیاست و  
دین ..... ۶۰
- اهمیت دفاع از حقوق انسانی (امر به معروف و آزادی و توحید) در  
اسلام:
- حقوق انسانیت ..... ۶۵
- دفاع از حقوق انسانی از حقوق فردی و قومی مقدس تر است ..... ۶۶
- امر به معروف مصداق دفاع از حقوق انسانی است ..... ۷۱
- دفاع از آزادی، امروز هم مقدس است ..... ۷۲
- آیا توحید شخصی است یا حق عمومی؟ ..... ۷۳
- آزادی از نظر احادیث ..... ۷۵
- بررسی رابطه ایمان با آزادی با استناد بر برخی آیات قرآن ..... ۷۵
- نقد و بررسی مفهوم آزادی و اختیار انسان در فلسفه مارکسیسم ..... ۸۵

|                                                                                     |     |
|-------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| نقش اختیار و آزادی انسان‌های گذشته در تکامل اجتماعی.....                            | ۹۵  |
| آزادی از دیدگاه اگزیستانسیالیسم و نقدی بر آن.....                                   | ۱۰۱ |
| رابطه تفکر اگزیستانسیالیسم درباره آزادی و رشد لابیگری.....                          | ۱۰۵ |
| تقابل آزادی با مساوات.....                                                          | ۱۰۸ |
| دیدگاه اقبال لاهوری در مورد آزادی در اروپا.....                                     | ۱۱۰ |
| آزادی از دیدگاه معتزله و اشاعره.....                                                | ۱۱۲ |
| اعتقاد اشاعره و معتزله پیرامون تعارض آیات قرآن در مورد قضا و قدر و آزادی انسان..... | ۱۱۴ |
| استقلال و انواع آن.....                                                             | ۱۱۶ |
| اندیشه‌های ناب امام پیرامون روشنفکری.....                                           | ۱۲۶ |
| سوء استفاده روشنفکران از ملی گرایی.....                                             | ۱۲۹ |
| تساهل و تسامح ابزار روشنفکری.....                                                   | ۱۳۰ |
| امام و راه‌های خروج از بن‌بست روشنفکری.....                                         | ۱۳۱ |
| منابع.....                                                                          | ۱۳۴ |

تقدیم به

عصر آزادی

عصر عصیان و طغیان انسانیت بر حیوانیت

و

تقدیم به

عاشورا و خالق عاشورای حسین علیه السلام

و رهروان همیشه راهی مرام آزادی و آزادی

گویا غریو آزادی را از پس سالیان دراز از کنار شط فرات می‌شوم که کرانه‌های تاریخ را درنوردیده و از گلوی تنهاترین سردار عصر عاشورا به گوش می‌رسد. فریادی از دردی که به یقین از علم غربی که به آینده بشریت داشت برمی‌آید. آن وجود پاک می‌دید که چگونه قافله بشریت به اسم آزادی رهسپار دیار سرگردانی و بی‌هویتی است. آن روز در عصر عاشورا خون هفتاد و دو تن از پاک‌ترین مخلوقات عالم خلقت بر زمین جاری شد که پیش از آن خون سردار آزاده‌ای بر محراب نیاز به پاس حرمت آزادی ریخته شده بود و پس از آن نیز دست پلید اسارت ده‌ها بار گلوی آزادی را فشرد تا آن هنگام که مقدر گردید ستاره‌ای از آسمان ولایت برای آینده بشریت به یادگار بماند تا منجی آزادی و آزادگی شود.

و اکنون شاهد مدعیان آزادی از غرب و شرق هستیم که سنگ آزادی بر سینه می‌زنند درحالی که خود وابسته دنیا و تعلقات آن هستند. اگر داعیه آزادی داشتن و رها بودن در کامجویی و بی‌قید بودن در امیال و بر بالش پر غو خفتن و از تمتعات دنیوی بی‌پایان

بهره‌مند شدن را آزادی نام نهیم. پس سر بر بالین سنگی نهادن و سنگ بر شکم بستن و رها شدن از قید، بی‌قیدی‌ها و بی‌دردی‌ها برای درک مستمندان و شمشیر زدن در راه خلاصی از اسارت و فریاد شوق و شکر برآوردن در قصر حاکمان جور، از بابت شهادت خاندان در مسیر رهایی بشر را چه باید نام نهاد؟ آیا به تعبیر استاد شهید (ولی<sup>۱</sup>) حیوانیت رها شده نیست که ریاکارانه و سودجویانه نام مقدس آزادی از برای کسب حرمت بر خود نهاده است. همانند ظرفی فلزی و بی‌ارزش که تنها رویه‌ای از زر برای فریب ظاهر بینان به خود دارد. اکنون که بسیاری از مدعیان آزادی و به تبع آنان مریدان و شیفتگان آنان به ورثه سرانی آزادی‌های پایمال شده انسانی به سوگ نشسته‌اند و مظلومانه فریاد تظلم برآورده‌اند و از گذشتگان و آیندگان طلب یاری می‌کنند و ناآگاهانه یا آگاهانه جسم بی‌رمق آزادی اصیل انسانی را به دست خود به قربانگاه اسارت و بردگی شهوات و منیت‌ها می‌برند. بر آن شدیم تا خود از دیدگاه واقعی اسلام نسبت به آزادی و محدوده آن آگاه شویم و دستی به قلم بریم و همین‌طور سبب خیری هر چند کم باشیم.

به دلیل این که دیدگاه متفکر و فیلسوف شهید آینه دیدگاه اسلام است، دست به دامن اندیشه‌های آن بزرگ‌مرد متفکر معاصر شدیم به امید آن که قدمی هرچند کوچک را در راه اندیشه‌های آن شهید بزرگوار برداریم.

\*\*\*

### اقسام آزادی

آزادی یکی از لوازم حیات و تکامل است، یعنی یکی از نیازمندی‌های موجود زنده. آزادی است. فرق نمی‌کند که موجود زنده از نوع گیاه باشد، یا از نوع حیوان و یا از نوع انسان، به هر حال نیازمند آزادی است. منتهی آزادی گیاه متناسب با ساختمان آن است، آزادی حیوان طوری دیگر است. انسان به آزادی‌های دیگر ماورای آزادی‌های گیاه و حیوان نیاز دارد. موجود زنده خاصیتش این است که رشد می‌کند، تکامل پیدا می‌کند و متوقف نیست. موجودات برای رشد و تکامل احتیاج به آزادی دارند. آزادی در نوع ابتدایی آن آزادی اجتماعی است. یعنی انسان باید در اجتماع از ناحیه سایر افراد جامعه آزادی داشته باشد، دیگران مانع در راه

رشد و تکامل او نباشند، جلوی فعالیتش را نگرفته و او را استثمار نکنند، او را به استخدام خویش درنیاورند و تمام قوای فکری و ذهنی و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند.

نوعی دیگر، آزادی عقیده است. در مورد آزادی عقیده فرق است میان "آزادی فکر" و "آزادی عقیده". فکر منطق است، انسان قوه‌ای دارد، به نام قوه تفکر که در مسائل می‌تواند حساب کند و بر اساس تفکر و منطق و استدلال انتخاب کند. ولی عقیده به معنی بستگی و گره‌خوردگی است. عقیده‌هایی که هیچ مبنای فکری ندارند، صرفاً مبنایش تقلید است، تبعیت است، عادت است و حتی مزاحم آزادی بشر است. آن‌چه از نظر آزادی بحث می‌کنیم که باید بشر در آن آزاد باشد، فکر کردن است. اما اعتقادهایی که کوچک‌ترین رشد فکری ندارند و فقط یک اعتقاد در یک انجماد روحی است که نسل به نسل آمده است، آن‌ها عین امارت است و جنگیدن برای از بین بردن این عقیده‌ها، جنگ در راه آزادی بشر است نه جنگ علیه آزادی بشر. آن کسی که آمده در مقابل یک بت که خودش به دست خویش ساخته، از او حاجت می‌خواهد،

این به تعبیر قرآن از یک حیوان خیلی پست‌تر است. یعنی عمل این آدم کوچک‌ترین مبنای فکری ندارد.

این فقط یک انعقاد و انجماد است که در دلش و روحش پیدا شده و ریش‌فاش تقلیدهای کورکورانه است. این را باید به زور از این زنجیرهای درونی آزاد کرد تا بتواند فکر کند. بنابراین کسانی که آزادی تقلید و آزادی زنجیرهای روحی را به عنوان آزادی عقیده تجویز می‌کنند، اشتباه می‌کنند. آن‌که ما طرفداریم به حکم آیه «لا اکراه فی الدین» آزادی فکر است نه آزادی عقیده<sup>(۱)</sup>.

از طرف دیگر فرق است میان علم و عقیده، علم آن چیزی است که بر اساس منطق پیش می‌رود انسان در علم باید آزاد باشد. کسی که در نظریات علمی اندیشه کرده و با فکر آزاد انتخاب کرده باید آزاد باشد. اما عقیده را که انسان انتخاب می‌کند، اغلب تقلید است. پیروی از اکابر و بزرگان است. چرا انسان در عقیده یعنی گرایش اعتقادی که ریشه آن پیروی کورکورانه از محیط یا پیروی از اکابر و شخصیت‌ها است و مغرضانه به او القا شده آزاد باشد؟! معنی این آزادی این است که شخص اشتباه کرده به دست خود

---

۱- مطهری، مرتضی، جهاد، ص ۵۵

زنجیری به دست و پای خود بسته، بعد ما بگوییم چون این انسان به دست خودش زنجیر را به دست و پای خود بسته، حقوق بشر اقتضاء می‌کند که ما این زنجیرها را از دست و پایش رها نکنیم، چون خودش می‌گوید باز نکن. آیا این آزادی است؟

آزادی در حد اعلای خود آزادی معنوی است. انسان یک موجود مرکب و دارای قوا و غرایز گوناگون است. در وجود انسان هزاران قوه نیرومند هست، انسان شهوت دارد، غضب دارد، حرص و طمع دارد، جاه‌طلبی و فزون‌طلبی دارد. در مقابل، عقل دارد، فطرت دارد، وجدان اخلاقی دارد. انسان از نظر معنی، از نظر باطن، و از نظر روح خودش ممکن است یک آدم آزاد باشد و ممکن است یک بنده و برده باشد. اسیر انزواطلبی، شهوت یا خشم خویش باشد و ممکن است از همه این‌ها آزاد باشد. اصلاً ملاک پیشرفت چیز دیگری است و آن امور معنوی و انسانی است. بشر مرحله بیشتر به سوی آزادی یعنی آزادی انسان از طبیعت و آزادی انسان از انسان‌های دیگر و آزادی انسان از خویش پیش برود، متکامل‌تر و مترقی‌تر است. مثلاً ما اخلاق را در نظر بگیریم، اموری که «ارزش‌های انسانی» نامیده می‌شوند، بگوییم پیشرفت این است که

انسان‌ها به مرحله‌ای برسند که از نظر اجتماعی هیچ نیازی نباشد به این که قوه مجریه در کارها دخالت کند بلکه مردم به طور خودکار موازین اخلاقی را با یک انگیزه درونی و اخلاقی اجرا می‌کنند و قهراً از همین جا [این نظریه] برمی‌گردد به مسئله تسلط انسان بر خود که این نیز برمی‌گردد به آزادی انسان از انگیزه‌های درونی خویش. آزادی معنوی که ادیان همیشه انسان را دعوت می‌کنند به این که بر نفس خود مسلط شود و از حکومت هواهای نفسانی و شهوات خویش آزاد باشد، همین است<sup>(۱)</sup>. این آزادی همان است که در زبان دین «تزکیه نفس» و «تقوی» گفته می‌شود.




---

۱- ولی ارزش‌های انسانی را در آزادی و تو شامل آزادی از هوای نفسانی و شهوات حیوانی هم باشد، نمی‌توان خلاصه کرد. آزادی معنوی صرفاً جنبه تخلیه دارد. برخی از ارزش‌ها جنبه تخلیه و اثباتی دارد. مثل ایثار، مهربانی، خدمت، تقوی شرط اساسی ارزش‌هاست ولی تمام ارزش‌ها نیست.

تفاوت میان مکتب انبیاء و مکاتب بشری در مورد آزادی اجتماعی و معنوی

تفاوتی که میان مکتب انبیاء و مکاتب‌های بشری هست در این است که پیغمبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی به بشر آزادی معنوی بدهند و آزادی معنوی است که بیشتر از هر چیز دیگر ارزش دارد. تنها آزادی اجتماعی مقدس نیست بلکه آزادی معنوی هم مقدس است و آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر و عملی نیست و این است درد امروز جامعه بشری، که بشر امروز می‌خواهد آزادی اجتماعی را تأمین کند ولی به دنبال آزادی معنوی نمی‌رود، یعنی نمی‌تواند قدرتش را ندارد چون آزادی معنوی را جز از طریق نبوت، انبیاء، دین، ایمان و کتب آسمانی نمی‌توان تأمین کرد.

\*\*\*

### آزادی و زندگی اجتماعی

اعمال و افعال بشر از آن دسته حوادث است که بر نوشت حتمی و تخلف‌ناپذیر ندارد، زیرا بستگی دارد به هزاران علل و اسباب و از آن جمله انواع اراده‌ها و انتخاب‌ها و اختیارها که از